

## مدیریت اسلامی کار

رژیم‌شناسی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

(غلامرضا علیمحمدی)

قسمت دوم

پیامبران و امامان علیهم‌السلام که بزرگترین مدیران، حاکمان و رهبران جامعه بشری هستند، از جمله مهمترین صفات بایسته آنان، مقام معنوی و اخلاقی آنان است.

در بسیاری از روایات و از جمله در حدیث مفصلی که از «امام صادق» و «امام رضا» (ع) در کتاب (اصول کافی)

مسئله صلاحیتهای اخلاقی و روحی مدیران، از جایگاه ویژه‌ای در منابع اسلامی برخوردار است. در اینجا به بررسی جایگاه «اخلاق مدیریت» از دیدگاه اسلام می‌پردازیم:

● ۱- مقام معنوی و اخلاقی پیشوایان معصوم.

● - صلاحیتهای اخلاقی مدیران از دیدگاه اسلام

عوامل «استحقاق مدیریت» منحصر به علم و تخصص و مهارت نیستند، چنانکه پیش از این نیز توضیح دادیم، علاوه بر علم و مهارت، اخلاق و شایستگیهای روحی نیز شرط توفیق در مدیریت کار و زمامداری جامعه است.

نقل شده است، به توصیف مقامات اخلاقی و روحانی امام پرداخته‌اند. خصوصیتی که عقل و شرع، آنها را برای پیشوای معصوم امری حتمی می‌شمارد.

در قرآن کریم، در مورد خصوصیات پیامبر عالیقدر اسلام (ص) می‌خوانیم: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ».

ترجمه: (و براستی تو - ای پیامبر - بر خلقی بزرگ آراسته‌ای).

و در آیه ۱۵۹، سوره آل عمران آمده است: «فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَنُقَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ». ترجمه: (بواسطه رحمت خداوند، تو با مردم نرم و مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شوند).

مسئله اخلاق و ارزشهای انسانی مدیریت در دیدگاه اسلام آنقدر اهمیت دارد که منصب حکومت و رهبری پیشوایان اسلام، بر پایه‌ی تعالی معنوی و اخلاقی آنان قرار گرفته است و لذا مقدم بر مناصب اجتماعی و سیاسی آنان است. در قسمت قبل اهمیت و ضرورت تخصص و آگاهی توأم با تعهد را در نظام مدیریت یادآوری شد و توضیح لازم داده شد، اما در این قسمت اگر تقدم اخلاقی و ارزشهای والای انسانی در مدیریت و پیشرفت آن مطرح می‌گردد، بلحاظ اهمیت و جایگاهی است که اسلام برای اخلاق و ارزشهای

معنوی قائل شده است زیرا سجایای اخلاقی در تهذیب انسان در راه رشد و کمال، بسیار مؤثر است.

**مسئله اخلاق و ارزشهای انسانی مدیریت در دیدگاه اسلام آنقدر اهمیت دارد که منصب حکومت و رهبری پیشوایان اسلام، بر پایه‌ی تعالی معنوی و اخلاقی آنان قرار گرفته است و لذا مقدم بر مناصب اجتماعی و سیاسی آنان است.**

### ● ۲- ابزارهای مدیریت

همانگونه که علم و تخصص و توانمندی جسمی و مالی و مادی، هرکدام به سهم خود، از لوازم ابزارهای مدیریت محسوب می‌شوند، خصوصیات اخلاقی و روانی نیز از ابزارهای مدیریت - بلکه از مهمترین آنها - بشمار می‌آیند، پیشوایان دینی، در سخنان خویش از ابزارهایی در مدیریت نام آورده‌اند که جنبه‌ای اخلاقی و رومی دارند.

۱- حضرت علی (ع) می‌فرماید: «أَلَّةُ الرِّيَاسَةِ سَعَةُ الصِّدْرِ».

ترجمه: (ابزار ریاست، سعه صدر است). «شرح نهج البلاغه - فیض الاسلام، ص ۱۰۰۵ حکمت ۱۶۷».

۲- و در سخنی دیگر فرمودند: (کار

نیک انجام دادن» و به فریاد بیچارگان رسیدن و از مردم مهمانی کردن، ابزار سروری است).

### ● ۳- آفات مدیریت

عوامل مختلفی می‌توانند پایه‌های حکومت و مدیریت را سُست نمایند و یا موجبات نابودی آنرا فراهم آورند. این عوامل، هم می‌توانند مادی باشند و هم معنوی. سخنان گهربار و آموزنده پیشوایان راستین، حاکی از جایگاه «اخلاق مدیریت» در دیدگاه اسلام است.

۱- حضرت علی (ع) می‌فرماید: «أَفَةُ الرِّيَاسَةِ الْفَخْرُ». یعنی (آفت ریاست، بر خویش بالیدن است). و در ادامه می‌فرماید: (هرکه با رعیتش و زیرمجموعه با ظلم و ستم رفتار کند، خداوند دولتش را از بین ببرد: بسرعت او را تباہ و هلاک سازد).

«غروالحکم، ص ۳۰۷ و ۶۷۸».

در مجموع سخنان حکیمانه معصومین (ع)، رعایت اصول اخلاق و رأفت و مهربانی، شرط اساسی برای بقاء در مسئولیت (اگر چه حق توست و چون شایستگی آنرا داشتید، به این درجه از کمال رسیدید) و موفقیت در حوزه کاری مدنظر قرار گرفته و سبب جذب افراد می‌شود، زیرا هرگز در منصب مدیریت، تندی و درشتی، نتیجه‌ای به همراه ندارد، باید با مدارا و سعه صدر،

همراه با ترفندهای مدیریتی، انجام وظیفه نمود و نتیجه گرفت.

### ● شتابزدگی چیست؟ و چه اثرات منفی در مدیریت کار به همراه دارد؟ ۱- اهمیت موضوع

یکی از مباحث قابل توجه در موضوع اخلاق مدیریت، بحث «شتابزدگی» یا عجله است. این صفت مذموم اخلاقی، اگر چه برای همه اقشار در بخشهای مختلف زندگی فردی و اجتماعی، آثار سوء فراوانی دارد، لکن در مدیریتها و رهبریها، منشاء خطرات و زشتیهای بیشتری خواهد بود.

بخش قابل توجهی از مشکلات و نابسامانیهای که در حوزه مدیریتها رخ می‌نماید، ناشی از همین خلق است. به نظر می‌آید که اگر پیام «بحث شتابزدگی» - که مُلْهَم از آیات قرآن کریم و سخنان معصومین(ع) است. بدرستی دریافت شود و به مرحله عمل درآید، در حل بخش عظیمی از مشکلات یاری‌مان نماید.

حضرت علی(ع) در فرمان خویش به «مالک اشتر» می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأَمْرِ قَبْلَ أَوَانِهَا».

ترجمه: (ای مالک: بترس از شتابزدگی در کارها، پیش از آنکه زمانش فرا رسد). «شرح نهج البلاغه، فیض الاسلام ۱۰۳۱». بدون تردید حضرت(ع) این نکته را فقط بعنوان یک

صفت ناپسند اخلاقی، و از موضع یک مربی و معلم اخلاق، به مالک‌اشتر بعنوان یک مسلمان، تذکر، پرهیز نمی‌دهد، بلکه این «فرمان»ی است از جانب «حاکم کشور اسلامی»، به مسؤل و «مدیری» که قرار است استانی را در حوزه حکومت اسلامی اداره کند، و امور مادی و معوی گروهی از مسلمانان را متولی باشد.

همانگونه که علم و تخصص و توانمندی جسمی و مالی و مادی، هرکدام به سهم خود، از لوازم و ابزارهای مدیریت محسوب می‌شوند، خصوصیات اخلاقی و روانی نیز از ابزارهای مدیریت - بلکه از مهمترین آنها - بشمار می‌آیند.

### ۲- مفهوم شتابزدگی

«راغب» در کتاب «مفردات القرآن» در بیان لغت «عجله» می‌گوید: (الْعَجَلَةُ، طَلَبُ الشَّيْءِ وَ تَحْزِينُهُ قَبْلَ أَوَانِهِ) یعنی: «عجله، خواستن چیزی و در جستجوی امری برآمدن است، پیش از آنکه وقت آن فرا برسد». یعنی قبل از آنکه شرائط، لوازم و مقدمات کافی برای انجام امری فراهم گردد، کسی وارد آن کار بشود و اقدام نماید. ایشان در ادامه بیان لغت عجله می‌گوید: (شتابزدگی از مقتضیات شهوات و تمایلات شدید نفسانی است

و به همین جهت در همه جای قرآن صفتی ناپسند به حساب آمده است).

مفهوم مقابل شتابزدگی، «آناة» است. آناة و تأنی به معنی: آرامش، درنگ کردن، سکینه و وقار است.

### ۳- تفاوت عجله و سرعت

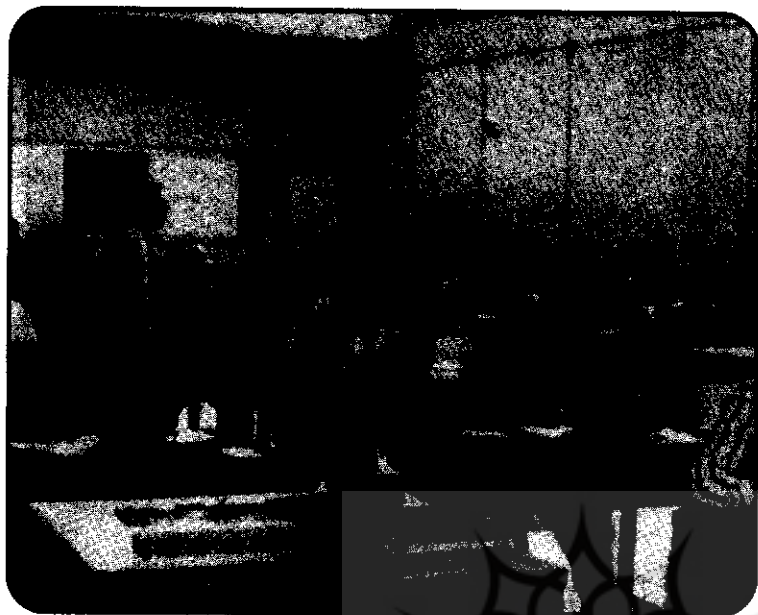
ممکن است کسانی فکر کنند که «عجله» و «سرعت» دو لغت مترادف و هم معنی هستند - چنانکه بعضی از کتب مشهور لغت چنین برداشت و بیان کرده‌اند - و لیکن این دو لغت به حسب مفهوم با هم متفاوتند. در مقابل لغت عجله، کلمه «تأنی» قرار دارد که به معنی آرامش و وقار است. در مقابل لغت سرعت، کلمه «بُطُو» قرار دارد که به معنی کندی و آهستگی است.

صاحب تفسیر شریف «مجمع البیان» در بیان لغت سرعت و عجله می‌گویند: «الْمُسَارَعَةُ: الْمُبَادَرَةُ وَ هِيَ مِنَ الشَّرْعَةِ وَالْفَرْقُ بَيْنَ السَّرْعَةِ وَالْعَجَلَةِ: أَنَّ السَّرْعَةَ هِيَ التَّقَدُّمُ فِيمَا يَجُوزُ أَنْ يَتَّقَدَّمَ فِيهِ وَ هِيَ مَحْمُودَةٌ وَ ضِدُّهَا الْإِبْطَاءُ، وَ هُوَ مَذْمُومٌ. وَالْعَجَلَةُ هِيَ التَّقَدُّمُ فِيمَا لَا يَتَّبِشِي أَنْ يَتَّقَدَّمَ فِيهِ وَ هِيَ مَذْمُومَةٌ، وَ ضِدُّهَا الْإِنَاءَةُ وَ هِيَ مَحْمُودَةٌ». (تفسیر مجمع البیان و شیخ بررسی رج ۲، ص ۴۸۸).

ترجمه: (مسارعه از سرعت است و به معنی مبادرت و سبقت گرفتن است. فرق بین «سرعت» و عجله این است که سرعت پیشی گرفتن در چیزی است که

کار، همچون سایر مقدمات و هیچ خصوصیت دیگری ندارد. لکن بحث از «سرعت» و «بُطُو» بحثی از مقوله

تقدم و سبقت در آن جایز است و سرعت از امور پسندیده است. ضد سرعت «ابطاء» است، که مذموم و ناپسند است. عجله به معنی سبقت گرفتن در چیزی است که تقدم و پیشی جستن در آن سزاوار نیست، عجله از کارهای ناپسند است. ضد عجله «أناة» است (به معنی آرامش و وقار) که از امور محمود و پسندیده است. نکته حائز اهمیت در اینجا این است که: بحث از عجله و تأنی، بحثی از مقوله «زمان» یا «دیر» انجام دادن کار نیست، که بحثی در «تمام» یا «ناتمام» انجام دادن کار است. اگر از «زمان» در تعریف عجله ذکر می‌بماند امر تبعی است نه اصلی.



زمان بدین لحاظ مطرح است که ضمن آن مقدمات و شرایط لازم کار فراهم آید، والانفس «تأخیر» مدخلیتی ندارد. اگر انجام امری، نیازمند فراهم‌آوری مقدمات و آماده‌سازی شرائطی باشد، عدم آمادگی در این زمان، موجب عجله خواهد بود و اگر دهها و صدها ساعت و روز بر این امر بگذرد و همچنان مقدمات انجام کار فراهم نشود، باز هم مفهوم و مصداق عجله محقق است.

بنابراین، زمان، به تأخیر انداختن کار، و دیرتر وارد کار شدن، کار را از عجولانه بودن خارج نمی‌سازد، البته اگر انجام فعلی، نیازمند زمان خاص و مناسبی باشد، در آن صورت «زمان خاص» فقط مقدمه‌ای است از مقدمات

«زمان»، به معنی زود انجام دادن کار و دیر انجام دادن کار است و به همین لحاظ کندی در کار، امری مذموم است. کاری که شرائط آن فراهم آمده است، در انجام آن تأخیر و تعلل و تنبلی روا نیست.

#### ۴- مشخصات کار قبل از وقت

مشخصات کاری که مقدمات و شرائط آن فراهم نشده است چیست؟ در مورد کار قبل از وقت، چهار صورت به شرح زیر می‌توان تصور نمود: الف- عدم تصور صحیح: کار را بدرستی تصور نکرده باشیم، و نسبت به آن فقط یک تصور اجمالی و مبهم داشته باشیم. ورود در چنین کاری عجولانه خواهد بود. ب- عدم تصدیق صحیح:

بد، یا خیر و شر انجام کار را معلوم نکرده باشیم، تصدیق به خیر بودن نفس فعل، یا تصدیق به خیر بودن فعل برای فاعل. ج- عدم شناخت مقدمات لازم: پس از تصدیق، مقدمات و شرائط لازم انجام فعل را نشناخته باشیم، دقیقاً بدانیم که اقدام در مورد آن فعل، نیازمند چه آمادگی‌هایی است.

د- عدم فراهم‌آوری مقدمات لازم: پس از شناخت مقدمات کار، بهنگام انجام کار، آن مقدمات و شرائط شناخت شده را فراهم نکرده باشیم. در صورت وجود حالات چهارگانه مورد اشاره، به شتابزدگی مبتلا شده‌ایم. از مجموع آنچه که در سطر اخیر پیرامون شتابزدگی گفتیم، معلوم می‌شود که شتابزدگی در

مثل یعنی: بی‌گدار به آب زدن و بالاخره، قبل از کندن چاه، منار دزدیدن. منظور از فراهم‌آوری مقدمات کار،

گره‌های - اندیشه‌ها کارها - نشناختن). «شرح نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۲۴۲».

برداشت قاطعی برسد، می‌گوئیم: گرفتار قضاوت عجولانه و برداشت شتابزده، شده است.

قسم دوم از اقسام شتابزدگی، «تصمیم شتابزده» است. وقتی تصمیمی را شتابزده می‌خوانیم که مقدمات کلانی برای تصمیم‌گیری فراهم نیامده باشد.

قسم سوم «اقدامات شتابزده» است که همانند دو قسم قبلی قابل توضیح است. بنظر می‌آید که یک ترتیب منطقی میان اقسام سه‌گانه شتابزدگی وجود داشته باشد. یعنی تلقی و برداشتهای شتابزده زمینه تصمیم‌گیریهای شتابزده را فراهم می‌آورد، تصمیمات عجولانه زمینه‌ساز اقدامات شتابزده می‌باشد و نیز هریک از آنها به ترتیب مربوط به «عقل»، «روح» و «رفتار» انسان هستند. بنابراین، اگر بتوان اندیشه و ذهن را از برداشتها و تلقی‌ها و قضاوتهای عجولانه بازداشت، می‌توان از بسیاری عجله‌کاریها هم جلوگیری بعمل آورد. به همین دلیل - که برداشتها و قضاوتهای شتابزده، مادر و منشاء همه شتابزدگیها هستند - در بحثهای آتی - نسبت به این قسم از عجله، عنایت ویژه‌ای خواهیم داشت.

۴- شتابزدگی در آینه قرآن و روایات. شتابزدگی در قرآن کریم، احادیث و روایات واصله از پیشوایان معصوم (ع)،



#### ۵- اقسام شتابزدگی

شتابزدگی - با تعریفی که از آن بدست آوردیم - در اقسام سه‌گانه قابل تصور است:

یکی از اقسام شتابزدگی، «قضاوتهای شتابزده» یا تلقی و برداشتهای عجولانه است. بدین معنی که: قضاوت نمودن در مورد یک حادثه، یا رسیدن به یک برداشت و تلقی در مورد یک جریان، مترتب بر دستیابی به پاره‌ای قرائن، شواهد، مدارک و اسناد است و اینها همه به منزله مقدمات پیدایش آن قضاوت و برداشت هستند. اگر کسی بدون ملاحظه آن مقدمات و یا غفلت از پاره‌ای از آنها به قضاوت یا

بررسی جوانب گوناگون فعل موردنظر، دقت به خرج دادن، در حدی است که مورد قبول عرف و عقل باشد. بنابراین، هیچگاه به کنکاش و پیگیری امور احتمالی نامعقول و دقت‌های بیجا و نامربوط، توصیه نمی‌گردد.

از سوی دیگر: اقدام در هر امر، مستلزم علم و آگاهی قطعی به نتیجه مؤثر و مثبت آن امر نیست. برای اینکه غیر از علل و عواملی که ما با دقتهای عرفی و عقلانی می‌یابیم، عوامل دیگری نیز ممکن است وجود داشته باشد که به‌حسب عادت از دسترس علم و اطلاعات ما بیرون باشد.

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: (خدایوند را در برهم خوردن اراده‌هائی - که انسان در آنها استوار است و باز شدن

شدیداً مورد تقبیح و نکوهش قرار گرفته است. راغب نیز در مفردات القرآن مدعی شده که از شتابزدگی در همه جای قرآن به زشتی یاد شده است. در اینجا به بخشی از آن آیات و روایات اشاره می‌کنیم:

خداوند در سوره اسراء آیه ۱۱ در مقام تقبیح شتابزدگی می‌فرماید: «وَيَسْخَرُ الْإِنْسَانَ بِالسَّرْعَةِ - بالخیر وکان الإنسان عجولاً». ترجمه (انسان بدیها را طلب می‌کند، آنگونه که خوبها را! و انسان شتابزده است). اگر کسی پرسد که چرا انسان در تشخیص خیر و شر اشتباه می‌کند؟ یا چرا در نیل به خیر، مقدمات را فراهم نمی‌کند؟ پاسخ قرآن اینست: برای اینکه انسان شتابزده است.

در پاره‌ای از احادیث، شتابزدگی را منتسب به شیطان دانسته و تانی را از رحمن، از پیامبر عالیقدر اسلام (ص) نقل شده است که فرمود: «الأناء من اللّه والعجلة من الشيطان». (بحار، ج ۷۷، ص ۱۴۷) ترجمه: (تانی و آرامش از خدا است، شتابزدگی از شیطان است).

دسته‌ای از احادیث می‌فرمایند که شتابزدگی موجب ندامت و پشیمانی است.

حضرت علی (ع) فرمودند: «از شتابزدگی بپرهیزید که پشیمانی به بار می‌آورد» (بحار، ج ۷۱ ص ۳۸ و نیز امام صادق (ع) فرمودند: «سلامت و آسایش با تانی و آرامش است، با عجله ندامت و پشیمانی است».

در پاره‌ای از روایات می‌فرمایند که فرد عجول در نیل به مطلوب خویش ناکام می‌ماند. آنها که در سایه شتابزدگی می‌خواهند زودتر به مطلوب خویش دست یابند و اندکی رنج بررسی و دقت را بر خویش هموار نمی‌نمایند، به هوش باشند که هیچگاه به مقصودشان دست نمی‌یابند.

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: (شتابزدگی را واگذارید، زیرا شتابکار خواسته‌اش بدست نیاید و پایان کارش پسندیده نباشد). در جای فرمودند: «العجلة تمنع الإصابة». یعنی (شتابزدگی انسان را از رسیدن به هدف باز می‌دارد). «منیع هر دو روایت، غیرالحکم، صفحات ۳۲ و ۴۰۶».

آنچه در گذشته یادآور شدیم و سیره پیامبر اکرم (ص) را بعنوان بهترین الگو و رمز موفقیت، سرمشق قرار داده، اینکه آن حضرت با سعه صدر و متانت و بردباری، زمامداری امت را بعنوان

پیشوا و رهبر حقیقی از جانب خدا، پیش گرفت و با مدیریت صحیح، توانست در بین آن قوم جاهل و بی‌فرهنگ رسوخ نماید و پیام الهی و رسالت خود را به نحو احسن به انجام رسانیده و افرادی که هرگز حاضر به بندگی خدا و سر فرود آوردن به خالق یکتا نبودند، همه را مطیع و مجذوب خود نمود، تا جائی که آیه و وحی الهی نازل گردید و خداوند به پیامبر فرمود که رسالت و مأموریت را به خوبی انجام داده و کامل نموده بیان این موضوع مهم تاریخی و سرنوشت‌ساز بهترین درس و پسند آموزنده برای همه متولیان و مدیران، در مجموعه مسؤلیتشان می‌باشد، که اگر می‌خواهند واقعاً تلاش و فعالیت نموده و نتیجه بگیرند باید، رعایت اصول و مبانی توأم با ظرافتهای اخلاقی را در مدیریت کار، مدنظر قرار داده و لحظه‌ای از آن غافل نباشند، زیرا تمام موارد، زنجیروار به هم متصل می‌باشد. و اگر یکی از آنها از هم بگسلد، نتیجه کار مطلوب نخواهد بود و کامل نیست.

ادامه دارد